

## انترناسیونال

دوره دوم  
۳۷

جمعه، ۵ تیر ۱۳۸۳

۲۵ ژوئن ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

۱۸ تیر روز همه مردم است،  
روز اعلام علنی سرنگونی خواهی است  
صفحه ۴\* اپیدمی خودکشی در ایران  
\* "دین آسمانی"، اتم زمینیدر حاشیه رویدادها  
سیاوش دانشور  
صفحه ۴روز مرگ بر جمهوری اسلامی - روز آزادی و برابری  
روز فریاد برای آزاد زندانیان سیاسی - روز نه به آپارتاید جنسی  
روز اعتراض به محرومیت و فقر و بیکاری  
روز اعتراض به خفقان و سرکوب و شکنجه و اعدام  
روز نه به حکومت مذهبی

ستون اول حمید تقوایی

۱۸ تیر  
روز کیفرخواست  
مردم علیه  
جمهوری اسلامی  
را سازمان دهیماعتراضان پرستاران  
گسترش می یابدرژیمی که جوابگوی خواستهای  
عادلان مردم نیست باید با نیروی  
اعتراض مردم به زیر کشیده شودبیمارستان طرفه در محوطه این  
بیمارستان تحصن کردند و  
خواهان اضافه حقوق، کاهش  
ساعت کار و رفع کمبود پرسنل  
درمانی شدند. یکی از پرستاران  
این بیمارستان ضمن اشاره به  
ساعات زیاد کار گفت: جایگزین  
نکردن نیرو باعث شده که یک  
پرستار بجای ۴ نفر کار کند.  
همین پرستار اضافه کرد: هنوز  
کارانه یکسال پرداخت نشده و به  
ازای هر ۱۰ ساعت کار فقط  
۱۸۰۰ تومان پرداخت می شود.  
صفحه ۲اعتراضات پرستاران در تهران  
طی روزهای گذشته و در آستانه  
روز پرستار گسترش بیشتری  
یافت. روز سه شنبه ۲ تیرماه  
پرستاران در مقابل مجلس  
اسلامی مباردت به برپایی یک  
تجمع اعتراضی کردند و با حمل  
پلاکاردهایی خواستار متحقق  
شدن مطالبات خود شدند. در این  
اجتماع پرستاران بیمارستانهای  
خیمینی، هاشمی نژاد و امام  
حسین شرکت فعالی داشتند و  
کارکنان بیش از ۲۰ بیمارستان  
تهران نمایندگی می شدند. از  
سوی دیگر در این روز جمعی از  
پرستاران و پیراپزشکان

## چکیده انقلاب آتی ایران

علی جوادی

تاکید بر این شعار نشانگر  
خصلت اثباتی جنبشی است که  
رهبری تحولات آتی را باید در  
دست داشته باشد. "آزادی و  
برابری" اکنون بیانگر خصلت و  
جوهر تحولات انقلابی جامعه  
است. چکیده مطالبات و شعار  
این جنبش است. مفهومی است  
که میباید در فرهنگ سیاسی  
توده مردم همه گیر شده و مکان  
ویژه ای پیدا کند. بی جهت نبود  
که شعار آزادی و برابری بر پرچم  
سرخ بمشابه شعار محوری  
اعتراضات بر سر در دانشگاه  
تهران افراشته شد. بی جهت نبود  
که این شعار بازتابی ویژه حتی در  
رسانه های اروپایی یافت. این  
تفاوت آشکار انقلاب ۵۷ و  
انقلاب آتی ایران را، جامعه ومعمولا در بررسی انقلاب ۵۷  
بمشابه یک پدیده عظیم اجتماعی  
و عینی میگویند که انقلابی بود  
که "میدانست چه نمیخواهد اما  
نمیدانست که چه میخواهد".  
درباره انقلاب نوینی که در ایران  
در حال شکل گیری است باید  
گفت بر خلاف انقلاب ۵۷ انقلابی  
است که نه تنها میدانست که چه  
نمیخواهد بلکه میدانست که چه  
مییخواهد و چه اهداف عمومی را  
پیش پای خود قرار داده است.  
طرح همه جانبه شعار و مطالبه  
"آزادی و برابری" در جامعه و

صفحه ۳

به ۱۸ تیر سالگرد قیام مردم علیه کلیت  
رژیم اسلامی نزدیک میشویم. امسال  
جمهوری اسلامی در هراس از گسترش  
اعتراضات و مبارزات مردم، و با خاطره  
دردناکی که از سه هفته اعتراض و  
تظاهرات بیوقفه مردم در سال گذشته دارد،  
سخت به تقلا افتاده و در تدارک برقراری  
عملی نوعی حکومت نظامی در تهران و در  
بسیاری از شهرهای دیگر است. تعطیل  
دانشگاهها و تشدید احکام اعدام و قصاص  
و مستقر ساختن کمیته چپها و نیروهای  
حزب الله در مساجد و غیره از جمله  
اقدامات رژیم برای مرعوب ساختن و مهار  
کردن مبارزات مردم است. این نوع  
اقدامات نشانه ضعف و استیصال رژیم  
است و با تعرض مردم میتواند خنثی شود.  
اما این تعرض را باید آگاهانه و نقشه مند  
سازمان داد. نمیتوان و نباید در انتظار  
اعتراضات و تظاهرات گسترده توده ای  
نظیر آنچه در سال گذشته رخ داد نشست.  
اعتراضات گسترده حتی در شکلی وسیعتر  
و رادیکال تر و از لحاظ مضمون خواستها و  
شعارها روشن تر و شفاف تر کاملا امکان  
پذیر است اما نه با در انتظار نشستن.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ اعتراضات پرستاران گسترش مییابد

دادن فیش حقوقی ۱۳۰ هزار تومانی خود گفت: این مبلغ بدون در نظر گرفتن سختی کار و شیفت های سخت و طاقت فرساست. در این روز همچنین پرستاران بیمارستان لقمان حکیم در حیاط این بیمارستان تحصن کردند. یکی از پرستاران معترض گفت: ساعات کاری پرستاران باید کاهش یابد و پرستاری جزو مشاغل سخت و زیان آور شناخته شود. یکی دیگر از پرستاران اضافه کرد: پرستاران اتاق عمل بعد از دو شیفت کار کردن در بیمارستان مجبورند که برای رفع مشکلات مالی مسافرتی کنند. عصمت طلب یکی دیگر از پرستاران بیمارستان لقمان حکیم در این حرکت اعتراضی گفت: ۶۰ هزار تومان بن غیرنقدی را دریافت نکرده ایم و دریافت ماهانه طرح کارانه هم ۷ ماه است که پرداخت نشده است. بنا به گزارشات منتشر شده در این روز تحصن پرستاران مجتمع بیمارستانی خمینی وارد سومین روز خود شد و در روز ۳ تیرماه پرستاران این مجتمع پس از ۴ روز اعتراض و پافشاری بر خواستهایشان با اعلام يك التیماتوم تا اواخر تیرماه موقتا به اعتراض خود پایان دادند.

پرستاران ۲۰ بیمارستان تهران همزمان برای متحق شدن مطالبات برحق و انسانی خود که با بی توجهی حکومت روبرو شده، دست به اعتراض و تحصن زدند. اول تیرماه نیز اعتراض پرستاران در بیمارستان خمینی تهران ادامه یافت که بیش از ۷۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم خواستهای پرستاران خواستهای انسانی و عادلانه است و ضروری است که از سوی همه مردم مورد پشتیبانی قرار گیرد. برای جمعیت ۶۶ میلیونی کشور تنها ۷۹ هزار پرستار وجود دارد و این در حالی است که شهروندان نیازمند حداقل ۳۰۰ هزار پرستار هستند. این همانطور که یکی از پرستاران گفته است بمعنای آن است که يك پرستار باید کار ۴ نفر را انجام دهد. از سوی دیگر خصوصی سازیها امنیت شغلی پرستاران را تهدید می کند. بنا به برخی اظهارات با اجرای طرح خصوصی سازی بیمارستانها، بلافاصله ۱۵ درصد نیروی کادر درمانی از کار بیکار خواهند شد. بنا به گزارشات، در برنامه خصوصی سازی بیمارستانها آمده است که فرد پیمانکاری می تواند تا ۸۰ درصد نیروی کار مراکز درمانی و بیمارستانها را از کار اخراج کند. از سوی دیگر دولت تنها مبلغ ۲۰ میلیارد تومان را برای ترمیم دستمزد پرستاران هزینه کرده است. این مبلغ، تازه اگر پرداخت شود، در بهترین حالت بمعنای يك افزایش ۲۰ درصدی دستمزد پرستاران است. در حالیکه خود اینان ادعا دارند که پرستاران برای اینکه قادر به تامین معاش باشند حداقل نیازمند يك افزایش دستمزد ۲۰۰ درصدی هستند یعنی سه برابر کردن حقوقها.

یادآور شویم که دور جدید اعتراضات پرستاران از روز ۳۱ خردادماه با برگزاری تجمعات اعتراضی در مقابل سازمان برنامه و بودجه و همچنین در محوطه بیمارستانهای مختلف تهران شروع شده است. در اعتراض روز ۳۱ خردادماه چندصد پرستار در مقابل سازمان برنامه و بودجه گرد آمدند و از سوی دیگر ۵۰۰ پرستار و کارکنان درمانی در بیمارستان خمینی در مقابل دفتر رئیس بیمارستان تجمع کردند. طی این روز

## از صفحه ۱

## ستون اول

مبارزت کارگران پتروشیمی را اعلام داشتند و همچنین اعلام حمایت از اعتصاب معلمان و اعتراضات کارگری در قطعنامه گردهمایی ۸ مارس سندج شاهد بودیم. همچنین جمعهای کارگران از کارخانه های مختلف در محکومیت جنایت خاتون آباد و در موارد متعدد دیگر علنا بیانیه دادند و از مبارزات بخشهای دیگر جامعه اعلام حمایت کردند. این سنت باید به شکل گسترده تری ادامه پیدا کند. ۱۸ تیر فرصت مساعدی برای اعلام همبستگی و حمایت بخشهای مختلف جامعه از مبارزات یکدیگر و همچنین طلب حمایت کردن از تشکلهای و نهادهای بین المللی بدست میدهد. کیفرخواست مردم علیه جمهوری اسلامی باید یکپارچه و همسته و يك صدا از جانب کل جامعه اعلام شود و توجه افکار عمومی جهانی را بخود جلب کند.

آیا انجام همه این کارها ممکن است؟ آری کاملاً ممکن است، مشروط بر آنکه فعالین چپ و رهبران عملی مبارزات اعتراضی مردم قدم بجلو بگذارند و بطور نقشه مند و آگاهانه به سازماندهی کمپینها و ستادها و کمیته های ۱۸ تیر بپردازند و از همین امروز بیانیه ها و قطعنامه ها و طومارها را تهیه و مدون کنند و دست بدست و از طریق اینترنت به اطلاع بخش هر چه وسیعتری از مردم برسانند. تنها به این شیوه است که میتوان تاکتیکها و ترفندهای مرعوب کننده رژیم را خنثی کرد و تعرض گسترده و همه جانبه ای را علیه رژیم سازمان داد. در ادامه و بعنوان حاصل و نتیجه این شیوه مبارزه میتوان انتظار داشت که ۱۸ تیر امسال شاهد اعتراضات و تظاهرات خیابانی در ابعادی گسترده تر و پیشرفته تر از سال گذشته باشیم. امسال ۱۸ تیر را باید خودمان بسازیم و به روز اعلام کیفرخواست جامعه علیه جنایتهای رژیم تبدیل کنیم.

در اولین قدم باید در مقابل تلاشهای رژیم برای ایجاد جو و فضای ارعاب در جامعه ایستاد و با آن مقابله کرد. با شعار نویسی به دیوارها، با پخش اعلامیه و تراکت و با مقابله با حزب الله چرخانی و مانورهای پاسداران و کمیته چپی هائی که برای مردم شاخ و شانه میکشند، و هر جا ممکن بود با برپائی اعتراضات و تظاهراتهای موضعی علیه گله های حزب الله و در دست گرفتن کنترل محلات باید تمیهدات رژیم را خنثی کرد و به جو فضای اعتراضی دامن زد. این امریست که بویژه بعهدہ جوانان و دانشجویان است. حال که دانشگاهها را می بندند جوانان باید محلات را به مرکز تجمع و اعتراضات خود تبدیل کنند.

امسال تدارک ۱۸ تیر امریست که میتواند و باید سازمانیافته و نقشه مند به پیش برده شود. باید رهبران عملی جنبش کارگری، فعالین چپ در جنبش دانشجویی و در جنبش زنان، فعالین جنبش معلمان و پرستاران و پیشروان اعتراضات اقشار مختلف مردم، آستین بالا بزنند و به تدارک عملی ۱۸ تیر بپردازند. جنبش اعتراضی مردم در طی سال گذشته بویژه در چند ماهه اخیر اشکال جدید و پیشرفته تری از مبارزات اعتراضی را بدست داده است که باید در سازماندهی ۱۸ تیر امسال الگوی کار قرار بگیرد. اساس این نوع اعتراض و مبارزه شکل دادن به يك حرکت علنی و متشکل با اعلام خواستها و مطالبات روشن و مشخص است. گردهمایی ۸ مارس در سندج و کمپین برای آزادی دستگیر شدگان اول مه دو نمونه موفق چنین مبارزاتی است. در ۱۸ تیر امسال و به بهانه و مناسبت سالگرد این روز میتوان و باید به چنین اعتراضاتی شکل داد. سازماندهی جمعها و کمیته ها و ستادهایی از فعالین در هر عرصه و تدوین و انتشار بیانیه ها و

سخت و زیان آور برسمیت شناخته شود و شغل آنها حفظ شود. حکومت منحوس اسلامی، حکومت يك اقلیت انکل و مفتخور است. با حمایت از مبارزات یکدیگر

پرستاران باید چندین بار افزایش یابد تا کفاف يك زندگی انسانی را بدهد. شرایط کار آنها باید بهبود یابد، ساعات کار آنها باید کوتاهتر شود، شغل پرستاری بعنوان يك شغل

و با گسترش مبارزاتمان، شرایط را برای به زیر کشیدن حکومت انکل های اسلامی آماده سازیم.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۳۸۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۰۴

از صفحه ۱

## چکیده انقلاب ایران

تحولات آتی مدیون حضور گسترده کمونیسم طبقه کارگر و حزبی در تحولات سیاسی بر سر اساسی ترین مساله جامعه یعنی "مساله قدرت سیاسی" و "جدال قدرت در جامعه" است. جدالی که با جنبش ۱۸ تیر وارد دوره ای جدید از حیات سیاسی خود شد.

انقلاب ۵۷ اولین کشمکش عظیم اجتماعی و طبقاتی در بستر يك ایران کاپیتالیستی بود. حضور طبقه کارگر در این انقلاب چشمگیر و غیر قابل انکار است. شعار "کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما" بیانگر نقش کلیدی کارگر در متن این تحولات بود. اما در غیاب يك جنبش خود آگاه حزبی و با نفوذ کمونیستی کارگری که بتواند سازماندهی و رهبری انقلاب را عهده دار شود، قادر شود رهبری طبقه کارگر بر جنبش عمومی را تأمین کرده و افق آزادیبخش سوسیالیستی را به آرمان عمومی صف آزادیخواهی و انقلاب تبدیل کند، جنبش ارتجاعی اسلامی و اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی این انقلاب را به بیراهه بردند و نهایتاً این انقلاب به خون کشیده شد. در واقع فقدان حضور این جنبش حزبی بود که به ارزیابی "نمیداند که چه میخواهد" از انقلاب ۵۷ امکان میدهد.

اما در تمایز با دوران انقلابی ۵۷ اکنون "آزادی و برابری" بعنوان مفاهیمی کم و بیش جا افتاده در انقلاب آتی ایران مطرح است. انقلابی که "میداند چه میخواهد". انقلابی که این بار به یمن حضور جنبش کمونیستی کارگری، فی الحال يك نیروی سیاسی جدی و دخیل در روند اوضاع سیاسی آتی جامعه است و حتی از جانب مخالفان و دشمنانش برسمیت شناخته شده است. این حزب در متن و مرکز جدالهای اجتماعی بر سر سرنوشت جامعه به عنوان پرچمدار اصلی آزادیخواهی و برابری طلبی شناخته میشود. در پس تلاشهای این جنبش است که شعار "آزادی و برابری" به معیار و شاخص ارزیابی و شناخت از نیروهای سیاسی و تشخیص تمایزات و تفاوت‌های نیروهای سیاسی اپوزیسیون تبدیل شده است. اما معنای قرن بیست و

یکمی این شعار در جامعه ای سرمایه داری و در شرایط حاضر چیست؟

## آزادی و برابری : کدام تعابیر

آزادی و برابری مفهومی تاریخی در تحولات سیاسی جوامع بشری است. قدمتی تاریخی دارد. اما آنچه "آزادی و برابری" را بعنوان يك جنبش و يك آرمان اجتماعی از تلاشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه پیشین و تاکتونی مجزا میکند این است که این جنبش در جامعه ای سرمایه داری و در تقابل با نظام سرمایه داری معینی قد علم کرده است و نتیجتاً به مساله آزادی و برابری در چهارچوب چنین نظامی گره خورده و پاسخ میدهد. اگر در دوران برده داری تصور برده از آزادی و برابری لاجرم از لغو برده داری فراتر نمیرفت و یا در دوران فئودالیته مفهوم آزادی و برابری چیزی جز به معنای لغو حقوق و مزایای اشراف و آزادی از این بی حقوقی ها و برابری در حقوق ملکی و مالکیت نبود، اکنون در دوران معاصر و در جوامع سرمایه داری حاضر نتیجتاً آزادی و برابری با لغو مناسبات اقتصادی و اجتماعی که اساس اسارت و محرومیت طبقاتی توده عظیم مردم را شکل میدهد، گره خورده است. به اعتباری آنچه در انقلاب کبیر فرانسه مفهوم پایه ای آزادی و برابری را شکل میدهد با آنچه در دوران معاصر و در انقلاب حاضر در ایران معنای آزادی و برابری را شکل میدهد کاملاً متمایز است. در انقلاب فرانسه آزادی معنایی جز آزادی از مناسبات اسارت آور حقوقی طبقه اشراف و تقسیم جامعه و مردم به انسانهای ممتاز و فرودست نداشت. بیانیه حقوق مردم در انقلاب کبیر فرانسه تماماً تکیه بر برابر بودن حقوقی انسانها داشت. مفهومی لیبرالی در حق و حقوق. برابری اساساً مفهومی حقوقی بود، به معنای برابری انسانها در برابر قانون و در چشم جامعه، انسانهایی که حقوقاً برابرند، انسانها با مهر امتیازات طبقاتی و اشرافی و عادی از هم متمایز نمیشوند. و در واقع انسانهایی که بطور صوری و حقوقی برابرند و نه بطور واقعی و اجتماعی.

انسانها در چنگال مناسبات اسارت آور طبقاتی است. مساله این است که امروز يك نابرابری و اسارت و محدودیتی بنیادی سرنوشت انسانهای امروز را رقم میزنند که رهایی و آزادی جامعه بدون خلاصی از آن امکان پذیر نیست و آن خلاصی و آزادی از استثمار و مناسبات استثمارگرانه ای است که مانند طوق زنجیر بر گردن و دست پای اکثریت عظیم توده مردم قرار گرفته است.

اما معنای اقتصادی و اجتماعی و حقوقی آزادی و برابری چیست؟ در ابتدا باید گفت که جنبش ما در تعریف مبانی آزادی و برابری خود را به محدوده‌ها و امکانات طبقه سرمایه دار و حساب سود و زیان سرمایه و ملزومات این نظام گره نمی‌زنند. برعکس! نقطه عزیمت ما در تبیین آزادی حقوق انکار ناپذیر و جهانشمول انسان معاصر است. نقطه عزیمت ما در تبیین آزادی حقوق انکار ناپذیر انسان معاصر است.

"آزادی" فقط به معنی آزادی های سیاسی و بی قید و شرط بیان و ابراز وجود سیاسی و اجتماعی، آزادی پوشش، آزادی محل سکونت، و آزادی معاشرت و روابط جنسی داوطلبانه در جامعه نیست. آزادی فقط به معنای آزادی اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب و تحزب و تشکل نیست. آزادی فقط به معنای آزادی نقد تمامی جوانب زندگی و اظهار نظر مردم و آزادی بی مذهبی نیست. آزادی فقط به معنای آزادی از افکار و آراء خرافی و جهل و عقب ماندگی و کهنه پرستی و تبعیض و ارتجاع و مردسالاری نیست. آزادی فقط به معنای آزادی و اختیار عمل دائم در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه نیست. فقط به معنای آزادی از آپارتاید جنسی و جدایی سازی انسانها نیست. علاوه بر همه اینها آزادی یعنی رهایی از شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نظام سرمایه داری که ریشه و مسبب تمام محرومیت‌های سیاسی و حقوقی و مدنی در جامعه است. یعنی آزادی از استثمار و بردگی مزدی و فقر و

در نظام سرمایه داری کارگر آزاد است. آزاد است تا نیروی کار خود را بفروشد. "آزاد" است و مالک و صاحب هیچ نوع وسایل کار و تولیدی نیست. به عبارتی "آزاد" است تا به میل "خود" اسیر قوانین کور بازار و رقابت و مناسبات سرمایه داری حاکم بر جامعه شود. در این جوامع وسائل کار و تولید و معیشت زندگی مردم در دست اقلیت ناچیزی یعنی طبقه سرمایه دار قرار دارد. در عمل در این جوامع تنها اقلیتی از انسانها بطور حقوقی برابرند. اگر چه مبلغین و مدافعین جامعه سرمایه داری آزادیهای فردی و حقوقی را خصلت ممیزه نظام سرمایه داری قلمداد میکنند. واقعیت خلاف این است. امروز گوشه ای از جهان نیست که زیر حاکمیت مناسبات سرمایه داری قرار نداشته باشد. در صورتیکه سهم اکثریت عظیم مردم بی حقوقی سیاسی و استبداد و عدم برخورداری از حقوق سیاسی و مدنی است. حتی همین حقوق مدنی و سیاسی به موقعیت اقتصادی طبقه حاکمه گره خورده است. زمانیکه حجم پول کیش کم شود، زمانیکه سود آوری سرمایه دچار بحران و نقصان شود، بقاء و دوام همین حقوق مدنی هم مورد تعرض قرار میگیرد. هر جا و به هر درجه ای که این حقوق مانع سود آوری و انباشت سرمایه شوند، مورد تعرض قرار میگیرند و کنار زده میشوند. در رژیم اسلامی سرمایه مردم اما از اساس نابرابرند. زن و مرد نابرابرند، چه حقوقی، چه اجتماعی و اقتصادی.

اما آنچه در دوران معاصر معنای آزادی و برابری را تعیین میکند کاملاً متفاوت است. به این اعتبار چشم انداز آزادی و برابری از اساس با آنچه تاریخاً تاکنون بوده است متمایز میشود. در شرایط حاضر مردم آزاد نمیشوند، کارگر آزاد نمیشود، جامعه آزاد نمیشود، مگر آنکه جامعه از قید مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و کار مزدی و تقسیم طبقاتی جامعه به کارگر و سرمایه دار برای همیشه آزاد شود. به این اعتبار آزادی و برابری نه صرفاً امری حقوقی بلکه فراتر و اساساً امری اقتصادی و اجتماعی است. در جامعه سرمایه داری آزادی حقوقی جامعه ای برای پوشاندن بی حقوقی و اسارت

فلاکت. یعنی آزادی از انقیاد طبقاتی. آزادی اجتماعی امروز ربط مستقیم با آزادی از قید و بند مناسبات طبقاتی دارد، بدون خلاصی از آن آزادی انسان علی العموم ممکن نیست. و آنچه مسلم است این است که تحقق این حقوق و آزادیها به واژگونی نظامی گره خورده است که بر اساس سود و انباشت سرمایه استوار شده است.

"برابری" مفهومی بسیار عمیقتر و همه جانبه تر از برابری حقوقی و برابری در برابر قانون است. مفهومی واقعی و مادی و اجتماعی و اقتصادی است. نه فقط به معنای برابری تمامی شهروندان از هر قوم و جنسیت و نژاد و تعلقات قومی و ملی و سن و تابعیت است، بلکه همچنین به معنای برابری در بهره مندی از امکانات و مواهب و محصولات مادی و معنی کار و تلاش اجتماعی همگان است. برابری نه فقط در چهارچوب قوانین و پیکره حقوقی و قضایی جامعه است، نه تنها به معنای برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و قلمرو اقتصادی و سیاسی و خانواده است، بلکه به معنای برابری در تولید و زیست و اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی و سیاسی و اداره جامعه است. بلکه به معنای برابری در غلبه بر عقب ماندگی و کمبود و نابرابری ذاتی جامعه طبقاتی است. برابری در امکان رشد استعداد و خلاقیت انسانها. برابری در برخورداری از امکانات جامعه است. برابری در شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه.

اما آزادی و برابری تنها در يك جامعه آزاد سوسیالیستی، در يك جمهوری سوسیالیستی، ممکن است. جامعه آزاد سوسیالیستی برای اولین بار به آرمان آزادی و برابری انسانها به معنی واقعی کلمه جامعه عمل میپوشاند. سرنوشتی رژیم اسلامی پیش شرط تحقق آزادی و برابری است. برای تحقق فوری و همه جانبه این آرمانهای اجتماعی باید به گرد پرچم حزب کمونیست کارگری جمع شد. این تنها راه واقعی است! \*

## دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

## ۱۸ تیر روز همه مردم است، روز اعلام علنی سرنگونی خواهی است

به میدان گذارده ایم که این پلانترهای انسانی را بی کم و کاست به عمل در آوریم و به دوره یک تازی کشیف ترین جانوران از گور برخاسته تاریخ پایان دهیم. ۱۸ تیر روز اعلام متحدانه این عزم یکپارچه همه ما مردم است.

### مردم! ایرانیان خارج کشور! انسانهای آزادی طلب!

در روز ۱۸ تیر (هشتم ژوئیه) در برابر سفارتخانه ها و مراکز شهرها در کشورهای مختلف جهان تظاهرات خواهیم کرد. با ما به خیابانها بیایید. شعار بدهید! فریاد بزنید. با مبارزات کارگران و دانشجویان و پرستاران و مردم در ایران اعلام پیوستگی کنید. باید به همه جهان نشان دهیم که مردم ایران از این ماشین تجر و جنایت و فقر و توحش منجرند و عزم خلاصی از آنرا دارند. باید مردم شریف جهان را علیه این حکومت و دولتهای مماشات طلب و حامی این حکومت بسیج کنیم. ۱۸ تیر روز همه ماست. روز سرنگونی طلبیان است. روز شعار آزادی و برابری است. روز طنین جهانی مرگ بر جمهوری اسلامی است. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همه شما را به شرکت در تظاهرات ۱۸ تیر فرا میخواند!

### تشکیلات خارج کشور

#### حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۳۸۳ - ۲۴ ژوئن ۲۰۰۴

آمریکا اطمینان خاطر دهند که "ایران دنبال سلاح هسته ای نبوده و نیست". وقتی اتم ساخت دست بشر قرار است رژیم خدا و دستگاه "دین آسمانی" را نجات دهد، معلوم میشود که دین و خدا نیز زمینی اند که توسط عده ای شارلاتان و تجار مذهب برای تحقق اهداف و منافع زمینی ساخته شده اند و لاجرم باید توسط زمینیان جارو شوند. \*

۱۸ تیر نزدیک میشود. حکومت اسلامی در تقالی اینست که این روز را بی بلا بگذرانند. اما مگر در ۴ سال گذشته در این تقلا نبوده است و پوزه اش به خاک مالیده نشده است؟ مردم ۱۸ تیر را هر سال محکم تر از پیش، برگزار کرده اند و امسال نیز خواست قلبی خود برای به زیر

کشیدن این حکومت قرون وسطانی سرمایه داران را فریاد خواهند کرد. حاکمین اسلامی با اتکا به حذف "دوم خردادیهایی" حکومتی میگویند صفوف جانیانشان را یک دست کرده اند و امسال نمیگذارند. مردم ایران، دانشجویان، کارگران، زنان و همه مردم بجان آمده به آنها نشان خواهند داد که امسال نیز کور خوانده اند. جنبش اعتراضی کارگران، پرستاران، دانشجویان و بخشهای مختلف مردم بدون وقفه جریان دارد و ۱۸ تیر روح این جنبش را جلوی چشمان وحشت زده شان خواهد گذاشت. این حکومت باید سرنگون شود و ۱۸ تیر روز اعلام یکپارچه عزم مردم برای برداشتن هرچه سریعتر و انقلابی تر این گام تاریخ ساز است. ما اعلام میکنیم که حکومت سنگسار و قصاص و چپاول و فقر و مرگ در ایران جایی ندارد. این حکومت بر موجی از نفرت بی پایان همه مردم نشسته است. بگذار حاکمین گوهشایشان را بر فریاد آزادی و برابری، بر خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، و بگور سپردن آپارتاید جنسی ببندند. ما مردم پا

ساختن سلاح اتمی است، حق رژیم ایران است. تفاوت میان موضع جناحهای رژیم اسلامی بیشتر تاکتیکی و متاثر از چگونگی پیشبرد این سیاست است تا تفاوتی استراتژیکی. علیرغم عر و تیز اولیه و تهدید خامنه ای و خاتمی و شعارهای کفن پوشان حزب الله برای دفاع از این حق، اخیرا خامنه ای و خاتمی تلاش کردند به اروپا و

وی دلیل این اقدام را یاس و نامیدی به آینده ذکر کردند. همین!

خودکشی در ایران بعنوان یک پدیده وحشتناک هر روز ابعاد گسترده تری مییابد. تفاوتی اگر در نقاط مختلف هست، صرفا میزان اعداد و آمار ثبت شده است. وقتی به امیر کوچولو که نمیدانست چکار میکند، و به دختران ۱۰ ساله، ۱۲ ساله، و زنان قربانی این پدیده فکر میکنم، که درد در آتش سوختن را به تحمل زندگی طاقت فرسا به جان میخرند، بدن میلرزد و هیچ راهی جز خلاصی از این مناسبات کشیف و سرکوبگر و مسبب آن نمییابم.

امیر پنج ساله و خیل عظیم قربانیان بشمار پدیده خودکشی در ایران، قربانیان وضع موجودند. درک زنان و دخترانی که دیگر نمیتوانند تحمل کنند، ابدًا سخت نیست. اما این راه خلاصی از نکبت اسلام و سرمایه داری و جهالت و مردسالاری نیست. استیصال هم یکی از خصوصیات برخی از انسان ها است و برای من بعنوان یک ویژگی انسان بیگانه نیست. اما راههای دیگری هم هست. این معضلی اجتماعی است و پاسخی اجتماعی میطلبد. باید این گنداب را خشکاند. باید به فکر زندگان امروز و قربانیان فردا بود. در جامعه ای که انسان انسان نباشد، حرمت نداشته باشد، رفاه و آسایش از او سلب شده باشد، مسخ شده و بیحقوق باشد، برای عده ای زندگی امروز معنائی جز تکرار زجرآور دیروز نیست. در چنین شرایطی جای امید را یاس و جای شادی را غم و جای افق فردانی روشن را ترس و فرار از واقعیات زشت امروز میگیرد. باید به خاطر تمام این قربانیان و جلوگیری از قربانی دادن بیشتر بر خیزیم و اعلام کنیم که این وضعیت را نمی پذیریم. این شرایط میتواند و باید تغییر کند. ما باید این وضعیت را عوض کنیم.

## "دین آسمانی"، اتم زمینی

ظاهرا تمام ابواب جمعی دستگاه خون و جنایت اسلامی در ایران متفق القولند که داشتن "فناوری هسته ای"، که اسم رمز همان امکان



سیاوش دانشمند

## در حاشیه رویدادها

### اپیدمی خودکشی در ایران

همسایه به "بهشت" رفته است، شاید... متأسفانه رفتن به مخیله امیر برای شناختن انگیزه اش دیگر ممکن نیست. دوستان امیر که شاهد این واقعه بودند، یکی شان زانشان بند آمده است و طبق خبر ممکن است اصلا دیگر حرف نزنند. امیر کوچولو نه اولی بود نه آخری، لیست قربانیان طولانی است و آنچه جای تامل دارد اینست که عمده قربانیان خودسوزی و خودکشی دختران و زنان هستند.

بنا به آمار دولتی هر روز دستکم یک نفر به لیست زنان و دخترانی که "تنها راه نجات" از مشقات و بدبختیهای خود را خودکشی و خودسوزی میدانند اضافه میشود. این روش که امروز بعنوان یک "اپیدمی" در این استان از آن یاد میشود، آغاز و شیوع آن به پایان جنگ ایران و عراق برمیگردد. خودکشی در این استان به سرعت رشد کرده است و تنها در فاصله سالهای ۶۷ الی ۷۰، میزان خودکشی ثبت شده ۷۸۸ مورد بوده است. کسی از آمار موارد ثبت نشده اطلاعی ندارد. این آمار همینطور به افزایش ۲۰ الی ۳۰ درصدی در سال اشاره دارد. بعنوان مثال از میزان فوق ۲۵۰ مورد مربوط فقط در سال ۱۳۷۰ اتفاق افتاده است. در سالهای بعد و از جمله سال ۷۶ نرخ رشد در خودکشی مشاهده شده است و در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال ۱۳۸۰، نرخ رشد ۲۰ درصد اعلام شده است. در سال گذشته نیز ۴۲۱ مورد خودکشی در این استان ثبت شده است. بیش از ۶۰ درصد این

قربانیان ۱۵ الی ۳۰ سال سن داشتند. یادمان باشد که این "اعداد" زمانی آدم بوده اند! خودکشی و خودسوزی پدیده ای منحصر به استان ایلام نیست. در خوزستان، کردستان، استان مرکزی و هر گوشه ایران مرتباً اتفاق می افتد. آخرین مورد اعلام شده دو روز پیش در خرم آباد بود. دانشجویی از طبقه سوم خود را به بیرون پرتاب کرد. دوستان

فقر اقتصادی، بیحقوقی اجتماعی، اختناق سیاسی و فرهنگی تنها شخصیت انسانی را لگد مال نمیکند، بلکه نفس حیات و زندگی را زیر سوال میبرد. در ایران تحت حاکمیت اوباش اسلامی و مجریان قوانین خدا و قرآن، مضاف به معضل فقر، ناداری، مذهب، مردسالاری، زن ستیزی، قتل ناموسی و دهها بلای اجتماعی ساخت دست خود این مرتجعین، خودکشی هم مانند سلول سرطانی روز به روز رشد میکند. اخبار رسانه های حکومتی، که واضح است گوشه ناچیزی از واقعیت را هم منعکس نمیکند، به اندازه کافی تکان دهنده است. به گزارش ایلنا در استان ایلام، خودکشی و خودسوزی، داستان تراژیکی است که بدلیل تکرار روزافزون موارد آن، متأسفانه به بازی کودکان هم سرایت کرده است و مرتباً قربانی میگیرد. "فاجعه" کلمه گویایی برای توضیح این پدیده نیست. این انهدام جامعه انسانی و ارزشهای بشری است. تصور کنید کودکانی را که از زبان پدر و مادر شنیده اند که مثلاً کبری یا لیلیا با ریختن نفت روی خودش و زدن کبریت خودسوزی کرده است! و بعد، کودکان در فانتزی کودکانه شان و سپس در دنیای واقعی اقدام به چنین کاری کرده اند! تصورش بغایت سخت و فوق آزار دهنده است. اما واقعیت دارد!

ایلنا چهارشنبه خبر داد که این تراژدی هولناک توسط چند پسر و دختر بچه، که میخواستند ادای بزرگان را در بیاروند" تکرار شد! امیر محمد صدقی، پنج ساله، که داستان خودسوزی زن همسایه را از زبان مادرش شنیده بود، در جمع دوستانش اقدام به خودسوزی کرد! شاید امیر وسیله بازی نداشته است، شاید فکر میکرده و یا شنیده که زن

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!